

آفتاب و مهتاب قبیله عشق

تأثیر سخنان شمس تبریزی بر مثنوی مولوی

دکتر اختر شاملی

سرشناسه: شاملوی، اختر، ۱۳۰۶ -
عنوان: تمام پدیدآور: آفتاب و مهتاب قبیله عشق: تأثیر سخنان شمس تبریزی
بر مثنوی مولوی/اختر شاملو
مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۳۹۷-۹-۸
ISBN: 978 - 600 - 91397 - 9 - 8

وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: شمس تبریزی، محمد بن علی، ۴۵۸۲ - ۶۴۵ ق. - تأثیر -
مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق.
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۱۶۱۷ ش/ ۵۲۵۰ PIR
رده بندی دیوی: ۸۱۱/۳۱
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۶۲۹۵۹

نشر رازگو

آفتاب و مهتاب قبیله عشق
(تأثیر سخنان شمس تبریزی بر مثنوی مولوی)

دکتر اختر شاملو

لیتوگرافی: نقش - چاپ: غزال

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

تهران - صندوق پستی: ۵۳۴ - ۱۳۱۴۵

تلفن: ۶۶۵۷۳۳۴۰

فهرست مطالب

۱۱	فصل اول
۳۷	فصل دوم
۷۱	فصل سوم
۸۵	فصل چهارم
۱۰۱	فصل پنجم
۱۱۹	فصل ششم
۳۲۵	فصل هفتم

مقدمه

به نام و یاد خداوندی که تاج نگارین سخن بر تارک قلم نهاد و گوهر ارزنده عشق بر سرای دل آدمی
بخشید

آنچه پیش روی شماست بازتاب و برآمد سخنان شمس تبریزی، عارف وارسته بر مثنوی
مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، عارف آزاده و سرافراز و پربار به نام (آفتاب و مهتاب قبيله عشق)
است. اکنون که سخن از عشق است، بر من است که پاس بهره‌هایی که از این دو آبرمرد اگرامی و
سخنان ارزنده آن‌ها برده‌ام فرو نگذارم، تا جایی که در توان من است زندگی و سرشت و
بزرگواری‌های آنان را باز نمایم. و از دولت همدلی با آن عاشقان راستین بود که دست کم مفهوم
انسان بودن و انسان زیستن را دریافتم. و از این بابت مدیون گنجینه ادب پارسی و پهنه وسیع عشق و
عرفان، مثنوی معنوی هستم. در زندگی هر کس اثر هنری است که تأثیر می‌بخشد و به آدمیان
تشخص می‌دهد و آنان را از یکدیگر ممتاز می‌کند. چه چیز از مولوی، مولانا ساخت بزرگمردی
انسان‌ساز، فروتن و انسانی ارزشمند و جاودان‌یاد که آئینه روشن روح او حتی زشتی‌ها را زیبا
می‌نمود. دل او چشمه زلالی از عشق بود، که پلیدی‌ها را می‌شت تا زیبایی‌ها به جلوه بشینند.
دست‌مایه معنوی مثنوی مولانا مفاهیم گوناگون، عشق و شوریدگی، وارستگی عارفانه، بی‌نیازی و

بلندهمتی، آزموده‌های زندگی و ناسازگاری‌های آن و مفاهیم برگرفته از مقالات عارف آزادۀ شمس تبریزی که از سلامت ذوق و سرشاری شور عشق و ساخته و پرداخته نازک‌اندیشی و نکته‌سنجی اوست، که بی‌تردید توفیق چشم‌گیر مولوی در عرفان و شعر که شهرت او را به فراسوی مرزهای ایران کشاید؛ مرمون دید عمیق و ظرافت طبع و عشق رقیق و آئینه روشن روح که نشانگر سرشت پاک و نکته‌سنج و موشکاف و با شکوه اوست، می‌باشد. دیگر اینکه مولانا همواره در تار و پود عشق خود زندگی می‌کرد. اگرچه نازک خیالی‌های روشن و یکرنگی و زودیاب شمس در مولوی تأثیر داشت، ولی هیچگاه استقلال اندیشه و شیوه بیان خود را در مثنوی که به صورت قصه و تمثیل بود از یاد نبرده و به‌ویژه از درون قصه‌ها مطالب عرفانی و اخلاقی و انسانی را به تکرار و تداوم بروز داده است. انسانی‌ترین پیام‌ها عشق است که جهادی است سترگ برای اعاده حیثیت به انسان و گسستن زنجیرهای زر و سیم و اسارت و بندگی و وابستگی، و اساس زندگی سالم و مایه صلح و آرامش در جهان است. این عشق انحصاری نیست، ایثاری است در جهانی بی‌تفاهم، پر خشونت، پر خاشاک و بی‌رحم، آتش‌بس به همه غرایز ستیزه‌جوی حیوانی است.

مولوی به راستی عشق مجسم بود و همین ویژگی وی را به گونه چشمگیری ممتاز و جهان‌شناس و جهانی کرده است و همواره با متانتی احترام‌انگیز دارای صفای دل، نیک‌نفسی، خوش‌ذوقی و نرم‌خویی و بلندهمتی بود که شمس را مجذوب خود کرده بود و همه آن واژه‌ها مفاهیمی بوده‌اند طلایه‌دار عشق، و اگر اهل ذوقی بخواهد از خصایص والای عشق برخوردار باشد، از مطالعه (آفتاب و مهتاب عشق) به عشق و محبت واقعی دلپسته می‌شود و شمس و مولانا و زیر و بم عشق را بهتر می‌شناسد؛ و آرامشی که از رضای خاطر و ایمان راستین آن دو بزرگمرد و استاد سخن می‌گوید برای خواننده هم دست می‌دهد و شهابی است که از آن چراغی می‌افروزد و زندگی تاریک و ملال‌آور را روشن و دلپذیر می‌سازد. پس به همه پاک‌دلان و عاشقان تقدیم می‌شود.